



مقر سازمان ملل متحد، نیویارک، ایالات متحده امریکا

۲۸ شهریور ۱۳۹۶ | ۱۹ سپتمبر ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم.

جناب رئیس مجلس، جلالت‌مآبان، خانم‌ها و آقایان!

در حالی که امروز در مقابل شما ایستاده‌ام، مردان و زنان سال ۱۹۴۵ میلادی که از خود شایستگی منحصر به فردی نشان دادند تا از تاریخ بیاموزند و به درس‌های آن عمل کنند، را به یاد می‌آورم. آنان که با رکود بزرگ [اقتصادی] شکل گرفتند و با خونریزی و کشتار جنگ جهانی دوم آبدیده شدند، نظم جهانی را با [ایجاد] نهادهایی که برای نسل‌های آینده، امنیت و ثبات به ارمغان آورد، برقرار کردند. سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دیگر سازمان‌ها تأسیس شدند تا برای پاسخ به چالش‌های بین‌المللی منسجم گردند و جرایم علیه بشریت را به تعلق از گذشته، مبدل سازند.

امروز تردید اندکی وجود دارد که نمونه‌ای از معیار، هدف و سرعت تصور و تلاش‌های آنها، هنوز وجود ندارد؛ اما مورخین آینده، از روی چگونگی پاسخ آنها به چالش‌های امروزی و چالش‌هایی که در آینده باید با آن روبه‌رو شویم، در مورد این نهادها، قضاوت خواهند کرد.

ما، به عنوان رهبران جهان، در جست‌وجوی قاطعیت و آشنایی با قوانین بازی که بر قرن بیستم حکمفرما بود، هستیم. اما در دنیای امروزی همیشه در حال تغییر، ابهام شدید، ویژگی حاکم بر شرایطی است که عصر ما را تعریف می‌کند. روشن ساختن این ابهام با ملاحظه خطراتی که اقتصاد، امنیت و ارزش‌هایمان را تهدید می‌کند، کار آسانی است.

اجماع در حال‌ظهوری وجود دارد که اقتصادهای پیشرفته هنوز به «مودل‌های رشد مناسب» دست نیافته‌اند که بر میزان بالای بیکاری، کاهش درآمد و نابرابری ثروت غالب شوند. بنابراین، خطر بحران اقتصادی هنوز ما را تهدید می‌کند.

شانزده سال پس از تراژیدی ۱۱ سپتامبر، خطر خشونت به دست عوامل غیردولتی، شکل موج پنجم خشونت سیاسی و تروریسم را به خود گرفته است. به نظر می‌رسد، موج پنجم که عامل آن شبکه‌های تروریستی فرامرزی، سازمان‌های جنایتکار، و جرایم سایبری و تمویل تروریسم از طرف دولت‌ها است، تهدیدی چنددهه‌یی برای امنیت بین‌المللی باشد، نه گذرا. در قرن بیستم، جهان یکجا شد تا با گسترش فاشیسم مقابله نموده و آزادی‌های دموکراتیک مصون بمانند. امروز، همان آزادی‌ها از سوی تروریسم جهانی مورد حمله قرار می‌گیرند. تروریسم تنها حمله بر زندگی بشر و آزادی‌های ابتدایی نه، بلکه حمله‌ای است بر قرارداد شهروندی، و بر روابط دولت با مردم که جوامع دموکراتیک را بی‌همتا، عادلانه و آزاد می‌سازد. ما باید در مقابل تهدید تروریسم به مثابه یک قوه واحد بایستیم و با یک راه‌حل درازمدت که با اجندای درازمدت تروریستان برابری کند، با آن برخورد کنیم.

و سرانجام، علی‌رغم گنج‌انیده شدن اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در قانون‌های اساسی بسیاری از کشورهای جهان، جرایم علیه بشریت، هنوز با نظم دردناکی در حال اتفاق افتادن است. تصفیه نژادی در روهنگیا به شکل خاص تکان‌دهنده می‌باشد. سکوت طولانی «آنگ سان سوچی» غم‌انگیز بود طوری که امیدهای ما به اینکه یک نماد حقوق بشر، اصل را بر قدرت ترجیح خواهد داد، به یأس مبدل شد.

من از فرصتی که در شورای حقوق بشر، یک کرسی به افغانستان اختصاص داده شود تا نقش مرکزی بیشتری در بحث روی این موضوعات مهم داشته باشد، استقبال می‌کنم. ما به عنوان مردمی که هنوز جرایم ضدبشری – مانند کشتار اخیر غیرنظامیان در قریه میرزا اولنگ و حملات بر مساجد در کابل و هرات و در هر جای دیگر – را تجربه می‌کنند، خواهان اضافه نمودن صدایمان در حمایت از حقوق بشر هستیم.

غلبه بر مدل‌های مخرب و مختل‌کننده تغییر در قرن بیست و یکم، مستلزم اقدام منسجم و جمعی در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی، محلی و فردی می‌باشد. در شرایط کنونی، یک سازمان ملل مؤثر و کارا که به آن احترام گذاشته شود، یک نیاز است – ما باید نهادهای قرن بیستم را مورد آزمایش قرار دهیم.

بنابراین، من به جلالت‌مآب میروسلاو لاجاک به خاطر عهده‌دار شدن ریاست نشست هفتاد و دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تبریک می‌گویم. می‌خواهم از تلاش‌های جلالت‌مآب پیتر تامسون در جریان نشست قبلی قدرانی کنم، همچنین جلالت‌مآب گوتیرس، سرتر جنرال سازمان ملل متحد، را به خاطر راه‌اندازی اصلاحات در این سازمان تحسین می‌کنم.

اگر سازمان ملل امروز وجود نمی‌داشت، ما شاید مجبور می‌شدیم که آن را ابداع کنیم تا به مطالبات عصر کنونی‌مان رسیدگی کنیم. عملی نمودن وعده‌های منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر در شرایط ابهام نیازمند بررسی دوباره وظایف مرکزی، مهندسی دوباره روندهای تجاری، تقویت دوباره ارزش و فرهنگ سازمانی و اصلاح سیستم‌های پاسخگویی است. اگر موجودیت سازمان ملل متحد وابسته به کشورهایی مثل کشور من باشد، باید به مثابه «یک سازمان ملل» عمل کند، اما تاکنون به این امر جامه عمل پوشانیده نشده است. مدل به میراث‌مانده دفاتر ملل متحد به عنوان ابزارهای همکاری تخنیکی و ارتقای ظرفیت باید تحت آزمایش بازار قرار گیرد، که به طور نمونه می‌توان از ارزش پول و پایداری نتایج در مقایسه حکومت، سکتور خصوصی و گونه‌های غیردولتی ارائه خدمات نام برد. پاسخگویی متقابل، یک میکانیزم تثبیت‌شده تحکیم و توسعه همکاری‌ها و اعتمادسازی است.

افتخار دارم که در مقابل این مجمع برجسته بایستم و به نمایندگی از مردم افغانستان صحبت کنم. ما بدبختی، محرومیت و خشکسالی را با عزت و افتخار تحمل کرده‌ایم، دلیرانه در مقابل تجاوز ایستادیم؛ و با احساس میهن‌پرستانه از وطن‌مان دفاع کردیم. به عنوان دولتی که در خط مقدم نبرد مبارزه جهانی علیه تروریسم و خط مقدم دفاع از آزادی‌های دموکراتیک قرار دارد، مردم و نیروهای امنیتی ما اعمال قهرمانانه‌شان را به صورت روزمره انجام می‌دهند.

ما همچنین – به عنوان یک ملت، یک دولت و یک مردم – در حال تغییر خودمان به منظور رسیدگی به چالش‌ها و در عین حال بررسی ظرفیت بالقوه‌ای که برای‌مان در قرن بیست و یکم فراهم شده، هستیم.

با اعلام استراتژی جدید رئیس‌جمهور ترامپ برای مبارزه با تروریسم و باثبات ساختن جنوب آسیا، همکاری دوامدار افغانستان با ایالات متحده و جامعه بین‌المللی تجدید گردیده و دوباره جهت یافته است. ما از این استراتژی که ما را در مسیری به طرف اعتماد قرار داده است، استقبال می‌کنیم. مردم افغانستان برای سال‌ها منتظر اتخاذ چنین تصمیمی از طرف ایالات متحده بودند. ما به تمام مردان و زنان ملتهایی که با ما یکجا خدمت کردند به‌خصوص آنانی که قربانی گزاف پرداختند، ادای احترام می‌کنیم.

این استراتژی تمامی ابزارهای قدرت امریکایی را تحکیم نموده و دربرگیرنده پیامی است که طالبان و حامیان آنان نمی‌توانند از لحاظ نظامی پیروز شوند. ما تنها به واسطه راهحل سیاسی می‌توانیم به صلح پایدار دست یابیم؛ من از همه افراد در صفوف طالبان دعوت می‌کنم که به یک گفت‌وگوی بین‌افغانی بپیوندند.

ما همچنین یک فرصت برای گفت‌وگو با همسایه‌هایمان داریم که چگونه با هم صادقانه کار کنیم تا تروریزم را از بین برده و افراطگرایی را مهار سازیم. من از پاکستان دعوت می‌کنم که با ما وارد یک گفت‌وگوی همه‌جانبه دولت با دولت روی صلح، امنیت و همکاری منطقه‌ای که منتج به رفاه می‌گردد، شود.

حکومت افغانستان تعهد خود به صلح را از طریق پروسه‌های داخلی ثابت کرده است؛ معاهده صلح با حزب اسلامی افغانستان نمونه‌ای از آن است. اکنون، ما از همسایگان دور و نزدیکمان می‌خواهیم که از طریق پروسه کابل برای تلاش همه‌جانبه به منظور صلح و ثبات منطقه‌ای، به ما بپیوندند.

هرچند رو به جلو حرکت می‌کنیم، ما خواستار یک تغییر دیدگاه از سوی شرکای بین‌المللی هستیم. برای مدت زمان طولانی، به جنگ در افغانستان به مثابه یک جنگ داخلی نگریسته شده، اما جنگ کنونی در داخل خاک ما نه، بلکه فراتر از خاک ماست.

امروز، بیش از بیست گروه تروریستی بین‌المللی که بر خاک افغانستان تحمیل شده‌اند، در کشور ما فعالیت دارند. آینده افغانستان مهم است، زیرا ما در خط مقدم یک مبارزه جهانی به منظور ریشه‌کن نمودن خطر تروریزم قرار داریم. سربازان شجاع ما بدین منظور و به خاطر استقلال ملت افغان هر روز می‌جنگند و کشته می‌شوند. ما شاید در خط مقدم نبرد باشیم، اما این تهدید هیچ سرحدی نمی‌شناسد. برای گروه‌های تروریستی که در منطقه پناه گرفته‌اند، حمله بر کابل و حمله به بروکسل، پاریس، بارسلونا، لندن و یا هر جای دیگری، پیروزی مشابه محسوب می‌گردد. در استراتژی جدید رئیس‌جمهور ترامپ، در هم شکستن و عدم پذیرش پناهگاه‌های تروریستان که محرکان‌شان هیچ مرزی نمی‌شناسند، شامل شده است.

اگرچه، تنها یک تعهد قدرتمند و دوامدار از جانب شرکای بین‌المللی ما به‌تنهایی نمی‌تواند موفقیت جمعی‌مان در افغانستان را تضمین کند – ریشه‌های موفقیت در حقیقت در ما به عنوان افغان‌ها وجود دارد.

امروز که نزدیک به سه سال از دهه تحول می‌گذرد، ما در حال مبدل ساختن افغانستان به عرصه‌ای برای ثبات هستیم، که تهداب آن گذاشته شده است. ما نقشه‌راه‌های اصلاحی را بیان نموده و با دقت زیاد در حال تطبیق آنان هستیم. به طور نمونه، ما در حال تعقیب عدلی و قضایی فاسدین، پایان دادن به فساد در سکتور امنیتی، تعویض نظام‌های واسطه‌محور با سیستم‌های شایسته‌محور، و شفاف‌سازی پروسه‌های مالی هستیم.

ما همچنین در حال دسترسی به آن دسته اقشاری هستیم که پیش‌تر از جامعه طرد شده بودند، یعنی جوانان، فقرا و زنان. هنوز هم این اقشار منشأ توانایی و انعطاف‌پذیری ملت ما هستند.

نسلی که در دهه نود میلادی بزرگ شد و اکثریت نفوس کشور را تشکیل می‌دهد، رهبری کشور به صورت یکجا به آنان به امانت گذاشته می‌شود. یک تغییر نسلی در حال صورت گرفتن است، زیرا جوانان در تمامی سطوح توانمند گردیده‌اند. این نسل، همان نسلی خواهد بود که حکومت کنونی را به حکومتی که خدمات‌محور و شهروندمحور باشد، اصلاح خواهند کرد.

زنان افغان، با رنج غیرقابل‌تصور، تار و پود جوامع و اجتماعات ما را علی‌رغم این که خودشان پارچه‌پارچه شدند، باهم یکجا نگه داشتند. با این وجود، هنوز هم زنان به سطوح پایینی جامعه منتسب می‌شدند؛ این غیرقابل‌پذیرش بود، و ملت ما به‌خاطر آن رنج زیادی را تحمل کرد. امروز، زنان افغان بیشتری در حکومت و در قوای بشری حضور دارند و بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ افغانستان، در جامعه مدنی سهم فعال دارند، اما ما هنوز راه زیادی پیش رو داریم. در صدر آنان، شش زن به عنوان سفیر و چهار تن به عنوان عضو کابینه ایفای وظیفه می‌کنند. در حقیقت، توانمندی زنان برای آینده ما، حایز اهمیت است.

فقرا در کنار زنان و جوانان اکثریت‌های عددی در افغانستان هستند که از خطوط نژادی، زبانی، جنسیتی و مذهبی عبور کرده‌اند. حدود چهل درصد افغان‌ها هنوز با عاید روزانه کمتر از دو دالر زندگی می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که فقر خودش باعث تداوم فقر می‌شود، زیرا بر ترکیب علمی مغز طفل تأثیرگذار است. ما باید فقرا را توانمند بسازیم. آنها برای مدت زمان طولانی اکثریت خاموش کشور ما بوده‌اند.

ما در حال ایجاد دوباره پیوندهای جامعه هستیم تا فرهنگ دولت‌مان را تغییر بدهیم و ما نه‌تنها پیوندهای داخلی، بلکه پیوندهای منطقه‌یی‌مان را نیز تقویت می‌کنیم.

ما به همسایگان‌مان در آسیای جنوبی و آسیای میانه نظر افکنده‌ایم و به صورت هم‌زمان در حال تقویت اتصال ملی، جهانی و منطقوی نیز هستیم. افغانستان مجدداً در قرن بیست و یکم به محور چندجانبه در عرصه‌های ترانسپورت، انرژی، آب و معدن و به منظور برقراری امنیت و رفاه اقتصادی در تمام منطقه مبدل خواهد شد.

ما پیشاپیش نتیجه کار و زحمت‌مان را می‌بینیم. پروژه لین انتقالی برق آسیای میانه به آسیای جنوبی در حال ساخت است. خط آهن ترکمنستان به سرحد ما رسیده است. خط لوله گاز طبیعی تاپی در حال ساخت است.

به عنوان بخش مرکزی پلان به منظور پیشرفت اقتصادی، ما به کار با شرکای منطقه‌یی برای جست‌وجوی مسیرهای همکاری ادامه می‌دهیم.

در میان ابهامات، تهدیدها و چالش‌های منحصر به فرد قرن بیست و یکم، اکنون شاهد آن هستیم که افغانستان، که به یک معما برای رویکردهای قرن بیستم مبدل شده است، چگونه هنوز به برقرار شدن نظم جهانی گرایش دارد.

هر چند که تهدید بین‌المللی تروریسم که در خاک ما بازی می‌شود، روایت کشور ما را تحت شعاع قرار داده است و سرنوشت مردمان را برای مدت طولانی به دست گرفته، با این حال ما همچنین دارای این ظرفیت هستیم که به واسطه [کارگزار] منطقه‌یی صلح، محور رفاه اقتصادی و روشنی‌بخش ارزش‌های دموکراتیک باشیم. در زادگاه مولانای رومی هنوز صدای پیام‌های مملو از عشق، صلح و امید انعکاس می‌یابد. افغانستان یک بار دیگر به چهارراه آسیا به خاطر گفت‌وگوی تمدن‌ها، مودل انسجام و فرهنگ بردباری و همکاری مبدل خواهد شد.

اطمینان داریم که پلان‌ها و برنامه‌های ما برای خودکفایی و اصلاحات، با تکیه بر تعهدات شرکای بین‌المللی‌مان، مسیری را به سوی درک ظرفیت کامل‌مان، برای ما ترسیم خواهد کرد.

از شما تشکر می‌کنم.